

خدا چگونه انسان را هدایت می‌کند؟ - ۷

پناهیان: هدایت آن قدر پیچیده است که خداوند آن را فقط به خودش نسبت داده

حجت الاسلام پناهیان به مناسبت ماه مبارک رمضان ۳۰ شب در مصلى بزرگ امام خمینی با موضوع «**خدا چگونه انسان را هدایت می‌کند؟**» سخنرانی می‌کند. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **جلسه هفتم** را می‌خوانید:

هدایت آن قدر پیچیده است که خدا هدایت انسان‌ها را فقط به خودش نسبت داده و نه حتی به پیامبر(ص)

- هدایت یک امر با عظمت و یک اتفاق بسیار پیچیده است که باید پیچیده بودن آن را درک کنیم. هدایت یک راز و رمزی بین پروردگار عالم و بندگان اوست. همان طور که از ظاهر آدم‌ها نمی‌توان باطن آنها را شناسایی کرد، درجات انسان‌ها و علت سعادت و شقاوت انسان‌ها را هم به این سادگی نمی‌توان بررسی کرد.
- هدایت آن قدر مرموز و پیچیده است که خداوند متعال، آن را به خودش اختصاص داده و فقط به خودش نسبت داده و بارها فرموده است: هر کسی را که خدا بخواند، هدایتش می‌کند «وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَّشَاءُ» (بقره/۲۱۳) یا «فَإِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَّشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَّشَاءُ» (فاطر/۸) حتی به پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «تو نمی‌توانی هر کسی را که دوست داشته باشی، هدایت کنی؛ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِي مَنْ يَّشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (قصص/۵۶)

هدایت‌های الهی، شانسی نیست و به اراده‌های خودمان بستگی دارد / لحظات تغییر انسان واقعاً ناشناخته و پیچیده هستند

- هدایت‌های الهی، شانسی نیست، بلکه به اراده‌های خودمان بستگی دارد. در جریان تحقق یافتن اراده‌های پنهان انسان است که یک دفعه‌ای این انسان یک ارزش فوق‌العاده پیدا می‌کند. البته اینکه اراده در وجود انسان، چگونه تحقق پیدا می‌کند، بحث جداگانه و مفصلی را می‌طلبد.
- می‌دانید که رفتارهای انسان بر اساس علاقه‌های اوست. هر کسی هر علاقه‌ای داشته باشد بر اساس آن علاقه، عمل می‌کند و تقریباً اراده و توان اینکه جلوی علاقه خود را بگیرد، ندارد. مگر اینکه دو تا علاقه در تعارض و تزاخم با هم باشند و یکی از آنها زورش بر دیگری بچربد. آن لحظه تزاخم و تعارض دو علاقه، لحظه تصمیم‌گیری انسان است. این لحظه‌ای که انسان تصمیمش را به نفع خوبی‌ها یا به نفع بدی‌ها می‌گیرد، در وجود انسان، بسیار ناشناخته است. این لحظه‌ای که انسان می‌تواند تغییر کند و مسیر خود را کج کند، یا تصمیم بسیار خوب و بالایی بگیرد، واقعاً ناشناخته است، در این لحظات، فقط «خدا» حضور دارد و «نهان‌خانه یا سر درونی انسان».

بعضی‌ها فکر می‌کنند آدم خوبی هستند ولی بدی‌هایی در نهان‌خانه دل دارند / ابن ملجم چون بدی‌هایی در دلش پنهان کرده بود، خدا هدایتش نکرد

- ممکن است یک کسی، آدم بدی باشد ولی در سر یا نهان‌خانه دلش، نامردی ندارد. چنین کسی علی‌رغم بدی‌هایی که دارد، خداوند یک روزی دستش را می‌گیرد. و برعکس، آدم‌های خوبی هم هستند که یک نامردی‌هایی در نهان‌خانه دلشان دارند، که خداوند از اینها بدش می‌آید، اما خودشان هم فکر می‌کنند واقعاً آدم خوبی هستند. به عنوان مثال، مردی نزد امیرالمؤمنین(ع) آمد و گفت: من شما را دوست دارم. حضرت فرمود: به خدا سوگند، تو مرا دوست نداری و آن مرد از اینکه حضرت از نهان‌خانه دلش خبر داده بود، خیلی تعجب کرد چون واقعاً خودش فکر می‌کرد حضرت را دوست دارد (أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ اللّٰهُ إِنِّي لَأُحِبُّكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

فَقَالَ عَلِيُّ عَ وَ اللَّهُ مَا تُجِئِي فَعَضِبَ الرَّجُلُ فَقَالَ كَأَنَّكَ وَ اللَّهُ تُخْبِرُنِي مَا فِي نَفْسِي...؛ بصائر الدرجات/ ۱/ ۸۸) اینها به خاطر پیچیدگی‌های روح انسان است.

- ابن ملجم هم فکر می‌کرد که واقعاً امیرالمؤمنین(ع) را دوست دارد، لذا وقتی حضرت به او خبر داد که قاتل ایشان خواهد بود، به شدت تعجب کرد. (إِنَّ قَلْبِي مُحِبٌّ لَكَ وَ إِنِّي وَ اللَّهُ أَوْلَىٰ وَ لِيَكَّ وَ أَعَادِي عَدُوٌّ...؛ بحار الانوار/ ۴۲/ ۲۶۲) ابن ملجم، چه بدذاتی‌ای داشت که در نهایت، به آن شقاوت رسید؟ چه بدی‌هایی در نهان‌خانه دلش پنهان کرده بود که خدا هدایتش نکرد؟
- آیا زیبر، خودش می‌دانست که چه اتفاقی در نهان‌خانه دلش می‌افتد؟ آیا می‌دانست که این همه عبادت یا کارهای خوبی که انجام داده است، بی‌فایده بوده و خداوند از او خوشش نیامده است؟

فلسفه امتحانات الهی این است که روح پیچیده و پنهان انسان را رو بیاورند/ از پیچیده‌ترین بخش‌های هدایت، دعوت به ولایت است

- انسان خیلی موجود پیچیده‌ای است و به این سادگی نمی‌شود از وجود او سردرآورد. فلسفه امتحانات الهی نیز این است که این روح پیچیده و پنهان انسان را باز کنند و رو بیاورند. اینکه پیامبر(ص) فرمود: «کسی که خودش را بشناسد، خدا را شناخته است؛ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (مصباح الشریعه/ ص ۱۳) در واقع عظمت خودشناسی را نشان می‌دهد. عرفا یک عمر با دقت در مقام عمل تلاش می‌کنند که به این خودشناسی برسند. وقتی انسان این قدر موجود پیچیده‌ای است، هدایت او هم مسأله پیچیده‌ای خواهد بود. از پیچیده‌ترین بخش‌های هدایت، دعوت به ولایت است.

هدایت از دو ناحیه، بسیار مرموز و پیچیده است: ۱- به خاطر پیچیده بودن انسان ۲- پیچیده و بی‌نهایت بودن خداوند

- هدایت از دو ناحیه، بسیار مرموز و پیچیده است. اولاً از ناحیه انسان؛ یعنی چون روح انسان بسیار پیچیده است، طبیعتاً هدایت او هم امر پیچیده‌ای خواهد بود. و ثانیاً از ناحیه خداوند؛ چون خدا به خودش هدایت می‌کند و خداوند هم فوق‌العاده پیچیده است. بنابراین وقتی بنا باشد این انسان پیچیده به سوی آن خدای بی‌نهایت هدایت شود، قطعاً این امر هدایت کار بسیار سخت و پیچیده‌ای خواهد بود.
- اینکه می‌بینید پیغمبری مانند حضرت نوح(ع) از عهده هدایت پسرش بر نمی‌آید (نمی‌تواند پسرش را از گمراهی نجات دهد) به خاطر پیچیده بودن امر هدایت است. خداوند می‌فرماید: «يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ» (یونس/ ۳۱) یعنی خدا، مرده را از دل زنده بیرون می‌آورد. گاهی کسی که از نظر معرفتی مرده است، فرزند یک آدمی است که (از نظر معرفتی) سراسر زنده است. و می‌فرماید: «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ» (همان) گاهی نیز پدر و مادر (از نظر معرفتی) مرده هستند ولی فرزندشان سراسر زنده است.
- تحقق اراده انسان بحث پیچیده است؛ گاهی خداوند بر اراده شما اثر می‌گذارد و اراده شما را تغییر می‌دهد. مثلاً وقتی به دل شما می‌افتد که به یک سفر زیارتی بروید، چه کسی این را به دل شما انداخته است؟ البته اینکه خدا به دل بیندازد به زیارت بروید، لزوماً باعث نخواهد شد شما به زیارت بروید و ممکن است عوامل دیگری در نهان‌خانه دل شما مانع شوند که شما تصمیم به رفتن بگیرید.
- امام موسی بن جعفر(ع) می‌فرماید: «خداوند قلوب مؤمنین را خلق کرده است، و خدا ایمان را در یک نهان‌خانه‌ای از وجود انسان، پنهان کرده است که فقط خودش می‌تواند آن را پیدا کند و انسان یک کشش درونی به سوی ایمان دارد. وقتی خدا نورانی شدن و تجلی کردن آنچه در قلب مؤمن است را اراده می‌کند (وقتی خدا بخواهد که آن ایمان پنهان، آشکار شود) آن را با باران حکمت، آبیاری می‌کند و با بذر علم، زراعت می‌کند. زارع و قییم دل مؤمن، پروردگار عالم است؛ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ مَطْوِيَةً مُبْهَمَةً

عَلَى الْإِيمَانِ فَإِذَا أَرَادَ اسْتِنَارَةَ مَا فِيهَا نَضَحَهَا بِالْحِكْمَةِ وَ زَرَعَهَا بِالْعِلْمِ وَ زَارَعَهَا وَ الْقِيَمَ عَلَيْهَا رَبُّ الْعَالَمِينَ» (کافی/۲/۴۲۱) این معنای پیچیدگی هدایت است که خدا می‌فرماید: هر کسی را که بخوایم، هدایتش می‌کنم (وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ؛ بقره/۲۱۳)

چرا بعضی‌ها حیران و سرگردان هستند و هدایت نمی‌پذیرند؟

• خداوند می‌فرماید: «بگو آیا ما کسی را بخوانیم که نه نفعی برای ما دارد و نه ضرری؟ قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَ لَا يَضُرُّنَا» (انعام/۷۱) در ادامه می‌فرماید: «آیا ما مثل کسانی شویم که شیاطین بر آنها سلطه پیدا کرده‌اند و در زمین، حیران شده‌اند. با اینکه این آدم حیران، اطرافیان خوبی دارد که او را به هدایت دعوتش می‌کنند؛ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانًا لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ أَتَيْنَا» (همان) در اینجا خداوند متعال هدایت نیافتگان را «حیران و سرگردان» معرفی کرده و می‌فرماید این آدم حیران، یک دوستانی هم دارد که او را به هدایت، دعوتش کنند، مثلاً به او می‌گویند: بیا برویم هیات، مسجد و... یعنی او را به سوی خوبی‌ها دعوت می‌کنند ولی او گوش نمی‌دهد و حیران و سرگردان است چون شیاطین بر او مسلط شده‌اند. در ادامه می‌فرماید: «بگو هر کسی که هدایت الهی نصیبش شود، آن هدایت است، و به ما امر شده است که تسلیم پروردگار عالم شویم؛ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَ أَمْرُنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (همان)

خدا آل ابراهیم(ع) را به عنوان نمونه کسانی که هدایت‌شان کرده، مثال می‌زند

• خداوند در قرآن کریم فهرستی از کسانی که هدایت‌شان کرده است را برای ما بیان فرموده است. خدا وقتی می‌خواهد نمونه بیاورد که چه کسانی را هدایت کرده است، حضرت ابراهیم(ع) و آل ابراهیم(ع) را مثال می‌زند و می‌فرماید: «کسانی که ایمان می‌آورند و ایمان‌شان را با ظلم، آلوده نمی‌کنند اینها امنیت خاطر دارند و هدایت‌یافتگان هستند؛ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ» (انعام/۸۲) «و ما به ابراهیم، اسحاق و یعقوب دادیم و همه آنها را هدایت کردیم، و نوح را هم از قبل هدایت کرده بودیم، و از فرزندان او، داود و سلیمان و ایوب و...؛ وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَ نُوْحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (۸۴) در ادامه می‌فرماید: «ما همه اینها را برگزیده کردیم و به صراط مستقیم هدایت‌شان کردیم؛ اجْتَبَيْنَاهُمْ وَ هَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۸۷) «این هدایت خداست که هر کسی را بخواهد به آن هدایت می‌کند؛ ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (۸۸) «آنها کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده است، به هدایت اینها اقتدا کن؛ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَّتْهُمْ أَلْتَدَهُ» (۸۹)

خداوند خیلی اصرار دارد که ما را هم هدایت کند و برایش خیلی هزینه کرده است

• خداوند خیلی اصرار دارد که ما را هم هدایت کند و برای این کار خیلی هزینه کرده است. می‌دانی خدا چقدر اصرار دارد تو را هدایت کند؟ می‌دانی خدا چقدر مشتاق است تو سر به راه شوی؟ به تعداد سرهایی که در کوفه بر روی نیزه‌ها کنار محل زینب(س) آوردند. می‌دانی خدا چقدر اصرار دارد دست تو را بگیرد؟ به تعداد دست‌هایی که در راه حسین(ع) قلم قلم شد و نمونه‌اعلای آن هم دست‌های ابوالفضل العباس(ع) است.

• می‌دانید خداوند چقدر برای هدایت ما هزینه کرده است؟ می‌دانید که خدا، حسین(ع) خودش را برای هدایت ما هزینه کرده است؟ می‌دانید مادرمان حضرت فاطمه زهرا(س) برای هدایت ما بین در و دیوار قرار گرفت؟ آیا تحمل این همه مظلومیت از سوی اولیاء خدا، جز برای هدایت ما بوده است؟

